

بسم الله الرحمن الرحيم

سیر تطور مسئولیت مدنی دولت و موسسات عمومی در حقوق ایران

مؤلف :

مهدی احمدی دستجردی «جرقویه ای»

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)
۱۳۹۹

فهرست مطالب

مقدمه / صفحه ۵

بخش اول : تبیین مفاهیم و مبانی مسئولیت مدنی
دولت / صفحه ۲۰

فصل اول : مفاهیم / صفحه ۲۱

مبحث اول : مفهوم و شاخه‌های مسئولیت / صفحه ۲۲

مبحث دوم : مقایسه مسئولیت مدنی با سایر مسئولیتها
/ صفحه ۳۰

مبحث سوم : دولت / صفحه ۳۷

فصل دوم : تحول مبانی مسئولیت مدنی دولت و تاثیر آن
بر نظام حقوقی ایران / صفحه ۵۱

مبحث اول : نظریه مصونیت / صفحه ۵۳

مبحث دوم : نظریه‌های مسئولیت مبتنی بر تقصیر /
صفحه ۶۲

مبحث سوم : نظریه‌های نوین در مسئولیت مدنی
دولت / صفحه ۹۷

بخش دوم : ارکان و قلمرو مسؤولیت مدنی دولت /
صفحه ۱۱۵

فصل اول : ارکان مسؤولیت مدنی دولت / صفحه ۱۱۶
طرح بحث / صفحه ۱۱۶

مبحث اول : وجود ضرر / صفحه ۱۱۷

مبحث دوم : فعل زیانبار / صفحه ۱۲۷

مبحث سوم : تقصیر / صفحه ۱۳۶

مبحث چهارم: رابطه سببیت / صفحه ۱۴۵

فصل دوم : قلمرو مسؤولیت مدنی دولت / صفحه ۱۵۲

مبحث اول: تفکیک اعمال دولت / صفحه ۱۵۲

مبحث دوم، مسؤولیت مدنی در اعمال قوه مقننه /
صفحه ۱۶۶

مبحث سوم: مسؤولیت مدنی ناشی از اشتباهات قضائی
/ صفحه ۱۸۳

مبحث چهارم: مسؤولیت مدنی ناشی از اعمال قوه
مجریه / صفحه ۲۰۲

بخش سوم: آثار و مراجع صالح به رسیدگی دعاوی

مسئولیت مدنی دولت / صفحه ۲۲۳

فصل اول: آثار مسئولیت مدنی / صفحه ۲۲۴

طرح بحث / صفحه ۲۲۴

مبحث اول: جبران خسارت / صفحه ۲۲۵

مبحث دوم: تأثیر بیمه در مسئولیت مدنی / صفحه ۲۴۲

فصل دوم: مراجع صالح رسیدگی به دعاوی مسئولیت

مدنی دولت / صفحه ۲۵۳

مبحث اول: مراجع اختصاصی / صفحه ۲۵۵

مبحث دوم: مراجع عمومی / صفحه ۲۶۹

نتیجه گیری / صفحه ۲۷۶

فهرست منابع / صفحه ۲۹۵

مقدمه

نظم و امنیت، عناصر مقوم جوامع انسانی است و این دودر هم نشینی با قدرت به ثمر می نشیند و زیرا جامعه بدون وجود قدرت سامانی ندارد و تضاد و منافع انسانها رقابت و کشمکش میان صاحبان حق را به ارمغان میآورد که در آن تعادل و توازی برقرار نیست و هرکس مترصد فرصتی است که آنچه را که ندارد از دارا بستاند و آنکه چیزی از دست داده منتظر فرصتی است برای انتقام می گردد و آنچه که این هرج و مرج را پایان می دهد ذی قدرتی است مافوق تمامی قدرتها در جامعه است که تمامی اعضا جامعه مطیع او و تمامی قدرتها در قدرتش مستحیل باشد، این اقتدار برتر و بلامنازع از آن حکومت است.

حکومت در آغاز فعال مایشایی بود که به مناسبت سیطره و تفوقی که بر سایر قدرتها در قلمروش داشت از هر گونه تعرضی مصون و دور از دسترس اعضاء جامعه قرار داشت و بنام فرمانروای مطلق نظم و امنیت را به جامعه ارزانی می‌داشت و هرگاه که می‌خواست: آن را می‌ستاند بی آنکه امکان تظلمی نسبت به عملکردهای حکومت وجود داشته باشد زیرا این فرمانروا بود که منبع هر ضابطه و قانونی قلمداد میشد و او صاحب حکومت کشور و تک تک افراد جامعه بود بنابراین در سازماندهی روابط اجتماعی آنچه نمود داشت سلطان بود و رعیت، و مصونیت فرمانروا و به تعبیر دیگر حکومت در انجام امور صورتی موجه و غیرقابل تردید داشت.^۱

در گذار از تاریخ افول شب‌های تاریک قرون

۱. مجید، غمائی، مسؤولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، نشر دادگستر، چاپ اول. پاییز ۱۳۷۶، ص ۱۶.

وسطی اندیشمندان روشنگری با رجعتی بر اندیشه‌های حقوق طبیعی نسبت به بازیابی آزادیهای انسانی در آثار خود کوشیدند و با آگاهی انسانها نسبت به حقوق ذاتیشان نهضت‌های بزرگی در مقابل خودرایی حکومت‌های مطلقه را سازماندهی نمودند تا آنجا که پادشاهان مجبور به اعتراف به حقوق انسانها شدند و در طی این مسیر بود که حکومت‌های مطلقه به حکومت‌های مشروطه که ناگزیر از احترام به حقوق طبیعی رعایای خود بودند بدل شدند و نهایتاً این حکومت‌های مشروطه نیز با محور قرار گرفتن حق مردم بعنوان مبنی حکومت به دولتهای قانونمند تبدیل شدند.^۱

قانونمندی دولت تأکیدی است بر مفهوم حقوقی حکومت، به این عنوان که بر اساس به رسمیت شناخته شدن حق مردم در تعیین سرنوشتشان در جمیع شئون اجتماعی با تفکیک

۱. پیشین، ص ۱۱.

در حوزه‌های کارکردی حکومت از صورت بیان اراده فردی خارج شده و سازمانی با صورتبندی حقوقی می‌یابد که بعنوان نماینده منافع عمومی واجد شخصیتی متمایز از افراد جامعه گردیده و این شخصیت متمایز حقوقی منبع حقوق و تکالیف آن شناخته می‌شود.

از طرفی در تفکیک حوزه‌های کارکردی حکومت دیگر این شهروندان هستند که واجد صلاحیت تصمیم‌گیری برای اداره امورشان می‌باشند که بیان اراده جمعی آنان مفهوم قانون به خود گرفته و بر مدار آن است که جامعه اداره می‌گردد، محوریت قانون در اجتماع نمادی از مقید گردیدن حکومت است و در این چیرگی نه تنها حکومت مقید به قانون است بلکه موجودیت حکومت به قانون وابسته است به تعبیری دیگر دولت واجد شخصیت حقوقی است از آنجا که قانون او را واجد این شخصیت شناخته است.

بهمین جهت دور از انتظار نیست که حکومت را در قبال وظایفش در مقابل قانون مسئول بشناسیم و بهمین خاطر است که دولت در عملکردهایش ناگزیر از کسب مجوز قانونی (کسب صلاحیت) می‌گردد و وجود نداشتن این صلاحیت، بطلان عمل حکومت و ضمانت اجراهایی قوی نظیر برکناری کارگزاران خاطی حکومت را به همراه دارد.

آنچه که در باب مسئولیت دولت بیان شد تنها به مسولیت در مقابل قانون بسنده گردید و هنوز شأن اجل دولت بعنوان «نفس کل»^۱ در مقابل افراد مردم ملاحظه نشده است.

اما رویکردی متحول‌تر نسبت به دولت که می‌توان آن را نتیجه برداشتی نوین از اصل حاکمیت قانون دانست شمول مفهوم «تساوی در

۱. دکتر شمس الدین فرهیخته، فرهنگ فرهیخته، انتشارات زرین، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۴۲۱.

برابر قانون» علاوه بر شهروندان و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی بر شخصیت‌های حقوقی حقوق عمومی بطور اعم و بر شخصیت حقوقی دولت بطور اخص است که نتیجه این تلقی از مفهوم تساوی در برابر قانون در مواجهه با خسارات ناشی از عملکرد دولت در قبال شهروندان و سایر اشخاص حقوق خصوصی گسترش دامنه مسئولیت مدنی به دولت خواهد بود.

مقدمتاً لازم است که روشن گردد مراد از دولت در این کتاب با عنایت به ضرورت ایجاد بستر مناسب برای صیانت از حقوق شهروندان در برابر قدرت عمومی و با توجه به ایرادات و نارسائیهای قواذین فعلی مربوط به مسئولیت مدنی دولت عبارت است از قوای سه گانه و سازمانهای وابسته به آنها که علاوه بر آن نهاد رهبری و مؤسسات عمومی تحت نظارت وی نیز داخل در مفهوم دولت می‌گردد.

از سویی دیگر مفهوم مسؤولیت مدنی مفهوم کلیدی دیگر این کتاب است، مسؤولیت مدنی لزوم جبران خسارتی است که از ناحیه فردی خارج از الزامات قراردادی و یا اعمال مجرمانه به دیگران وارد می‌آید و با وجود این در تعبیر دیگر مسؤولیت مدنی شاخه‌ای از مسؤولیت حقوقی است بدین معنی که تعهد و الزامی که شخص نسبت به جبران زیان وارده به دیگری دارد، اعم از آنکه زیان مذکور در اثر عمل شخصی یا عمل اشخاص وابسته به او ناشی شده باشد. که شامل مسؤولیت قراردادی و مسؤولیت خارج از قرارداد (مسؤولیت قهری) می‌شود فلوابع مسؤولیت قهری هنگامی وجود دارد که بر اثر نقض وظیفه‌ای قانونی زیانی به کسی رسد و لازم نیست که قرارداد یا تعهدی از قبل وجود داشته باشد.^۱

۱. ناصر، کاتوزیان، حقوق مدنی، ضمان قهری و مسؤولیت مدنی. چاپ دوم، انتشارت دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، ص ۵۵.

مسئولیت مدنی مطلق منصرف به همین
مسئولیت غیر قراردادی است چنانکه قانون
مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ این اصطلاح
را در معانی مذکور به کار برده است. بحث ما نیز
ناظر به مسئولیت مدنی به معنای اخص کلمه
یعنی مسئولیت خارج از قرارداد می‌باشد.

در خصوص مبانی مسئولیت مدنی باید اذعان
داشت که در ابتدا مبنای مسئولیت مدنی اشخاص
بر پایه تقصیر بنا شده بود یعنی مسئولیت مبتنی
بر تقصیر بر این اصل استوار است که در هر دعوی
مسئولیت خواهان یا زیان دیده باید ثابت کند که
عامل ورود زیان با ارتکاب خطای زانی را به بار
آورده^۱ یعنی باید بین تقصیر وی و ضرر حاصله
رابطه سببیت وجود داشته باشد. با گسترش
جوامع مسئولیت مبتنی بر تقصیر به خوبی

۱. ناصر کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی، چاپ اول، نشر یلدا،

نمی‌توانست بسیاری از خسارات را تحت شمول خود قرار دهد، در نتیجه گروهی مبنای مسؤولیت را مبتنی بر نظریه‌های فارغ از تقصیر بنا نهادند و چنین عنوان کردند که هرگاه در اثر اعمال اشخاص به افراد زیان وارد آید شخص مسؤول جبران خسارت وارده خواهد بود.

در قرن ۱۹ پس از انتقاد از نظریه مصونیت دولت، اصل عدم مسؤولیت دولت که ملهم از عقیده حاکمیت مطلق دولت بود با گسترش دموکراسی و با پیدایش افکار جدید و ظهور حقوق مردم در صحنه سیاسی و همینطور گسترش جبران خسارت و مسؤولیت در روابط خصوصی در اثر توسعه تکنیک بیمه جای خود را به اصل پذیرش مسؤولیت مدنی دولت داد. اینکه اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی بتوانند خسارت وارده به خود از جانب سازمانها و نهادهای دولتی را ترمیم نمایند اندیشه‌ای درست و عادلانه می‌باشد و پذیرش

جبران خسارت زیان دیده از سوی قانونگذار از پایه‌های اصل لزوم تساوی در مقابل قانون است.

اما سؤالی که باقی می‌ماند این است که آیا مبنای مسؤولیت مدنی دولت همان مبنای عام مسؤولیت مدنی مطرح در حقوق خصوصی است؟ و یا آنکه قواعد خاص خود را طلب می‌کند؟ در این خصوص عقاید متفاوتی وجود دارد گروهی حقوقدانان مبنای مسؤولیت مدنی دولت را بر پایه تقصیر بنا نهادند و اینگونه بیان کردند که دولت تنها در مواردی نسبت به اعمال کارکنان خود مسؤولیت دارد که اعمال آنها در حین انجام وظیفه و مربوط به خطای اداری آنها باشد. یعنی دولت دامنه مسؤولیت مدنی خود را بسیار محدود می‌کند و دولت تنها در قبال خطای اداری کارمند که به طور غیر عمدی صورت می‌گیرد مسؤول شناخته می‌شود و در صورتی که فعل کارمند در حین انجام وظیفه همراه با سوء نیت و خطای

سنگین باشد آنرا از مسؤولیت مدنی دولت جدا دانسته و مسؤولیت شخصی کارمند را مطرح می‌سازند. با رویکردی به دولت ناکارآمدی نظریه تقصیر در مورد اعمال دولت نیز نمایان است بر همین اساس گروهی در جهت جبران خسارت زیان‌دیده و ایجاد مسؤول مستطیع در جبران خسارت خطای اداری را توسعه دادند و اظهار نمودند که دولت در تمامی اعمال کارمندان که در حین انجام وظیفه سبب خسارت به اشخاص می‌شود مسؤولیت تضامنی دارد خواه این اعمال عمدی باشد یا غیرعمدی و در مرحله بعد یعنی پس از جبران خسارت زیان‌دیده توسط دولت و در مراجعه دولت به کارمند خاطی از نظریه تقصیر پیروی کردند یعنی به نوعی قائل به مسؤولیت مستقیم دولت شدند.

پیروی از نظریه‌های فوق در حقوق کشورهای مختلف تحولات عمده‌ای را در باب مسؤولیت

دولت به ارمغان آورده است که در بخشهای آتی به آن اشاره می‌شود.

نظریه دیگری که موجب تشکیل مسؤولیت مدنی دولت می‌گردد مبتنی بر تساوی در برابر هزینه‌های عمومی و تضمین حق است که از خلال قواعد ویژه‌ای جدای از قواعد عام مسؤولیت مدنی استنباط می‌شود. مقایسه دولت با شرکتهای بیمه مبنای نظریه دیگری است یعنی دولت به مثابه یک شرکت بیمه بزرگی مستلزم به جبران خسارت وارده به افراد جامعه می‌باشد.

در حال حاضر در اکثر کشورهای پیشرفت با پذیرش مسؤولیت مدنی دولت در جهت حمایت از حقوق زیان‌دیده دامنه مسؤولیت مدنی دولت را بر اساس نظریه‌های فوق گسترش داده‌اند و به نوعی برای دولت مسؤولیتی فراتر از قواعد مسؤولیت مدنی در حقوق خصوصی قائل هستند در حالی که چنانچه بعداً بررسی خواهد شد در

حقوق ایران با توجه به ماده ۱۱ قانون مسؤولیت مدنی برای دولت به نوعی مصونیت قائل شده و کارکنان دولت را به سبب افعال خود که در حین انجام وظیفه باعث ایراد زیان می‌شوند شخصاً مسؤولت می‌شناسد، بدون در نظر گرفتن اینکه آیا عمل زیانبار غیر عمدی بوده است و یا همراه با سوءنیت انجام شده و فقط دولت را در خصوص نقص وسایل و تشکیلات مسؤول می‌شناسد که این مفهوم نیز کلی و مبهم می‌باشد که اثبات آن در مقابل دولت به دشواری صورت می‌گیرد.

دکترین مسؤولیت مدنی در ایران علی‌رغم تحول مسؤولیت مدنی دولت در سایر کشورها همچنان از مفهوم سنتی تفکیک اعمال دولت به تصدی و حاکمیت پیروی میکند و تحول دولت حاکم صرف به دولت خدمتگزار در مسؤولیت مدنی دولت در ایران نادیده گرفته شده است.

گستره اشخاص و اعمالی که دولت در قبال

انها مسؤول شناخته می‌شود، سوالی است که نظریات مختلفی در مورد آنها ارائه شده است. گروهی قائل به این هستند که دولت تنها در قبال اعمال کارکنان رسمی مسؤول می‌باشند و گروهی قلمرو مسؤولیت دولت را نسبت به تمامی مستخدمان عمومی تسری داده‌اند یعنی تمام کارکنان رسمی و قراردادی و داوطلبان اختیاری و اجباری و همچنین اعمال تقنینی و قضائی و حتی اعمال حاکمیتی قوه مجریه تسری داده‌اند.

پس از پذیرش مسؤولیت مدنی دولت و بررسی ارکان و مبانی مسؤولیت، سوالی که مطرح می‌شود این است که زیان‌دیده برای اثبات حق خود، باید دعوی را در برابر کدام مرجع مطرح کند به عبارت دیگر دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی مسؤولیت مدنی دولت کدام است؟

همچنین جبران خسارت توسط دادگاه صالح مسأله دیگری است که در بررسی آثار مسؤولیت

مدنی دولت به آن اشاره شده در پایان آنچه که در خصوص ضمانت اجرایی جبران خسارت ناشی از مسؤولیت مدنی دولت بایستی بدان توجه شود به طور مبسوط توضیح داده خواهد شد.

بخش اول :

تبیین مفاهیم و
مبانی مسئولیت
مدنی دولت

فصل اول

مفاهیم

رسم معمول آن است که بحث پیرامون یک موضوع نیازمند آشنایی و روشن گردانیدن مفاهیم آن موضوع می‌باشد. تا خواننده را آگاهی نسبی حاصل آید و آمادگی ورود به بحث اصلی را پیدا نماید این موضوع زمانی خود را بیشتر نمایان می‌سازد که اصطلاحات فنی باشد و علم به آن در این حالت از اصول اولیه است، در موضوع مورد بحث مفاهیم آن از اهمیت اساسی و شایان توجه

برخوردار می‌باشد و بدون اطلاعات اولیه مقصود مطلوب را نخواهیم یافت، نکته دیگر آنکه سعی بر این بوده است که بیان این مفاهیم به نحوی ساده و مختصر انجام گیرد و آنقدر که به کارما می‌آید بحث شود و از توضیحات اضافی و بدون ارتباط خودداری شود، در هر مورد که لازم شود علاقه‌مندان را به کتب مربوطه ارجاع خواهیم داد.

مبحث اول: مفهوم و شاخه‌های مسئولیت

بند ۱: تعریف مسئولیت

واژه مسئولیت در زبان عربی مصدر جعلی از «مسؤول» است. در قوانین موجود تعریفی از مسئولیت به عمل نیامده تعاریف حقوقدانان نیز در این مورد گوناگون می‌باشد در ذیل به گونه‌هایی از این تعاریف اشاره می‌شود:

مسئولیت تعهد قانونی شخصی است به رفع ضرر دیگری که وی به او وارد آورده است، خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود باشد یا از فعالیت او ایجاد شده باشد.^۱ همچنین مسئولیت را: فرضی که به موجب آن هر فردی نتایج شناخته شده اعمال خود را خواستار است تعریف کرده‌اند.^۲ در فقه به جای کلمه مسئولیت از کلمه ضمان استفاده شده این کلمه بسیار عام می‌باشد و انواع مسئولیت اعم از مدنی و کیفری را در بر می‌گیرد.

بند ۲: اقسام مسئولیت

مسئولیت را از زوایای مختلفی می‌توان تقسیم بندی کرد معمولترین تقسیم‌بندی که در کتب

۱. محمدجعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، زمستان ۶۸، صفحه ۶۴۲، شماره ۵۱۱۴.

۲. حسینقلی، حسینی نژاد، مسئولیت مدنی، بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، بهار ۷۰ صفحه ۱.

حقوقی صورت پذیرفته است به شرح زیر می باشد:

الف) مسئولیت اخلاقی

مسئولیت اخلاقی عبارت است از مسئولیتی که قانونگذار متعرض آن نشده باشد^۱ همانند مسئولیت انسان نسبت به خود یا خداوند یا دیگری، ضمانت اجرای چنین مسئولیتی تنها تاثیر وجدان و درونی است ولی ضمانت اجرای حقوقی ندارد به بعارت دیگر مسئولیت اخلاقی مواخذه وجدان از خطاست، نیتی پلید در درون انسان می تواند از نظر اخلاقی شخص را مسئول قرار دهد، ارتباط مسئولیت اخلاقی با درون آدمی است.^۲

۱. امیر تیمور، تاجمیری، حقوق مدنی ۴، مؤسسه فرهنگی آفرینه، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۵، صفحه ۲۴.

۲. ناصر، کاتوزیان، فلسفه حقوق، چ ۲ انتشارات بهنشر، ۱۳۷۷، ص ۴۵۱.

ب) مسئولیت حقوقی

مسئولیت حقوقی آن است که در قانون پیش بینی شده و ضمانت اجرایی قانونی (مدنی، کیفری و انتظامی) دارد و شخص در مقابل افراد دیگر مسئول است^۱ شاخه‌های مسئولیت حقوقی یا قانونی عبارتند از: مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری و مسئولیت اداری که از جهاتی با هم تفاوت دارند ولی قدر مشترک هر سه نقض الزام تعهدی است که قرار داد یا قانون قرار داده است.

۱- مسئولیت مدنی

آنچه که در تعرف مسئولیت مدنی گفته اند این است که در هر مورد شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می‌گویند در برابر

۱. محمدجعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، شماره ۵۱۲۰.

او مسئولیت مدنی دارد.^۱ به عبارت دیگر انسان وقتی از نظر مدنی مسئول تلقی می‌شود که ملزم باشد آثار و نتایج ضرر وارد به دیگری را جبران نماید.^۲ در تعریف کاملتر می‌توان بیان داشت که «مسئولیت مدنی عبارت است از تعهد و الزامی که شخص نسبت به جبران زیان وارده به دیگری دارد، اعم از آنکه زیان مذکور در اثر عمل شخص مسئول یا عمل اشخاص وابسته به او یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد»^۳ مسئولیت مدنی به ۲ شعبه عمده تقسیم شده است: مسئولیت قراردادی که به آن مسئولیت عهدی یا ضمان ناشی از عقد نیز گفته می‌شود که عبارت است از مسئولیتی که در نتیجه اجرا

۱. کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، زمستان ۷۴، صفحه ۱.

۲. میشل لوراسا، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، تهران نشر حقوقدانان ۱۳۷۵، صفحه ۲۹.

۳. حسینقلی، حسین نژاد، مسئولیت مدنی، صفحه ۱۳.

نکردن تعهدیکه از عقد ناشی شده است بوجود می‌آید، مسئولیت قراردادی، ریشه قراردادی دارد و متخلف از قرار داد مکلف است خسارت وارده به متعهد له را جبران کند^۱، ۲ مسئولیت خارج از قرارداد^۲ که به آن مسئولیت قهری یا ضمان قهری گفته می‌شود از او امر و نواهی قانونی حاصل می‌شود به عبارت دیگر مسئولیت قهری هنگامی وجود دارد که بر اثر نقض وظیفه‌ای قانونی زیانی به کسی رسد^۳ بنابراین لازم نیست که قرارداد یا تعهدی از قبل وجود داشته باشد تا مسئولیت به جبران خسارت محقق گردد بلکه هر گونه مسئولیت قانونی که فاقد مشخصات مسئولیت قراردادی باشد مسئولیت خارج از قرارداد نامیده

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به ناصر، کاتوزیان، ضمان قصری، مسئولیت مدنی، صفحات ۱۸-۱۴

2. delictual liability

۳. حسینقلی، حسین نژاد، مسئولیت مدنی، صفحه ۱۵.

می‌شود.^۱

نتیجه این سخن آنکه همانگونه که گفته شد مسئولیت مدنی در معنای اعم خودش شامل مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج از قرارداد می‌گردد لذا برای بازشناسی این دو باید گفت که واقع مسئولیت مدنی مطلق منصرف به همین مسئولیت غیر قراردادی است. چنانکه قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ این اصطلاح را در معنای مذکور به کار برده است. بحث ما نیز ناظر به مسئولیت مدنی به معنای اخص کلمه یعنی مسئولیت خارج از قرارداد می‌باشد و مراد از مسئولیت مدنی دولت این گونه مسئولیت می‌باشد.

۱. محمدجعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، شماره ۵۱۲۳، صفحه ۶۴۳.

۲- مسئولیت کیفری

زمانی که شخص مرتکب یکی از جرایم مذکور در قانون می‌گردد برای این شخص مسئولیت کیفری به وجود می‌آید. با پیدایش مسئولیت کیفری شخص تحت تعقیب قرار می‌گیرد و مجازات خواهد شد و در صورتیکه عمل مجرمانه وی باعث خسارت گردد باید از عهده خسارات وارده نیز برآید. آنچه در مسئولیت کیفری حائز اهمیت است اینکه هر جرمی تعریف، شرایط و مجازات خاصی دارد یعنی اصل قانونی بودن جرم و مجازات فی الواقع یعنی اینطور نیست که یک اصل کلی برای مسئولیت وجود داشته باشد.^۱

۳- مسئولیت اداری

مسئولیت اداری زمانی مطرح می‌شود که

۱. محمد صالح ولیدی حقوق جزای عمومی چ اول، ۱۳۷۳، نشر داد،

مستخدم دولت مرتکب خطا یا تخلف اداری شده باشد قانونگذار مجازات خاصی را برای تخلفات اداری پیش‌بینی کرده و دادگاههایی را نیز برای رسیدگی به این گونه امور در نظر گرفته است. ماده ۱ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۷۲/۹/۲۴ تخلفات اداری را احصاء کرده است.^۱

مبحث دوم : مقایسه مسئولیت مدنی با سایر مسئولیتها

بند ۱ : مقایسه مسئولیت مدنی با مسئولیت اخلاقی

همانطور که پیش تر ذکر آن رفت مسئولیت مدنی یکی از شعب مسئولیت حقوقی می‌باشد

۱. رضا، موسی زاده، حقوق اداری، چاپ اول، نشر میزان، تهران، پاییز ۱۳۷۷، صفحه ۲۴۲-۲۴۰.

از آنجایی که هرگاه کلمه مسئولیت به کار می‌رود رنگ و بوی اخلاقی نیز به ذهن متبادر می‌سازد شایسته است که تفاوت‌های این دو نوع مسئولیت بیان گردد، مسئولیت اخلاقی به معنی شرمساری وجدان و احساس گناه است و بیشتر جنبه شخصی دارد^۱ می‌بینیم که حیطة عمل مسئولیت اخلاقی در درون انسان است و با عالم درون انسان پیوند می‌خورد، تفکری ناشایست و خطا آمیز می‌تواند مسئولیت اخلاقی را به همراه داشته باشد حال آنکه حیطة عمل و اقتدار مسئولیت مدنی جهان بیرون است و تجلی گاه آن دنیای خارجی است، بنابراین بنیادیت‌ترین تفاوت را می‌توان معیار شخصی بودن مسئولیت اخلاقی و نوعی، اجتماعی بودن مسئولیت مدنی دید، دنیای حقوق میدان مسئولیت مدنی می‌باشد و در این جاست که مسئولیت مدنی

۱. ناصر، کاتوزیان، ضمان قهری، صفحه ۱۱.

به منصفه ظهور می‌رسد، مسئولیت اخلاقی را با دنیای حقوق رابطه چندانی نیست، اگرچه عده‌ای را عقیده بر این است که می‌توان مبنای تمام مسئولیتها را قواعد اخلاقی و مذهبی قرار داد. ریپر استاد فرانسوی سرآمد این گروه است به نظر وی حقوق در فنی‌ترین بخش‌های خود یعنی تعهدات نیز مرهون قواعد اخلاقی است، آنچه را حقوق می‌نامیم در واقع قواعد اخلاقی است که ضمانت اجرای مادی و دولتی یافته است.^۱ حق آن است که مفهوم اخلاقی را در مسئولیت مدنی تماماً به دور نیاندازیم زیرا که هنوز هم در بیشتر موارد مبنای مسئولیت مدنی طنین اخلاقی را با خود به همراه دارد، بنابراین سنجیدن مسئولیت مدنی تنها براساس ملاکهای خارجی می‌تواند راه

۱. ریپر، قاعده اخلاقی در تعهدات مدنی، شماره ۱۱۲، به بعد به نقل از

کاتوزیان، پیشین، صفحه ۱۱.

عدالت را مسدود نماید^۱، توجه به عناصر اخلاقی در ارزیابیها جایگاه ویژه‌ای دارد.

بند ۲: مقایسه مسئولیت مدنی با مسئولیت کیفری

در جوامع بدوی جبران خسارت جنبه انتقام و مجازات داشت مجازات فرد مسئول هم هدف بازدارندگی داشت و هم هدف جبران خسارت با پیشرفت تمدن این وضع تغییر یافت. رشد جوامع و تحولات عظیم حقوقی در کشورها تفاوت‌هایی را در میان مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی رقم زد.

اگرچه مقصود از مسئولیت جزایی نیز جبران خسارت وارده است اما فلسفه این جبران خسارت با آنچه که در مسئولیت مدنی شاهدیم اختلاف

۱. حسن، بادینی، فلسفه مسئولیت مدنی، نشر سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۴، صفحه ۱۱۰-۱۱۲.

فاحشی دارد اولین و شاید مهمترین تفاوت از لحاظ طرف زیان‌دیده می‌باشد که در مسئولیت جزائی جامعه طرف اصیل می‌باشد و زیان اصلی به او وارد شده است، مسئولیت جزائی به خاطر حمایت از جامعه لحاظ شده است مجرم با عمل خود جامعه را متضرر ساخته است و باید در مقابل جامعه پاسخگو باشد، الزام مجرم به تامین ضرر و زیان ناشی از جرم که به اشخاص خصوصی وارد می‌شود، جنبه تبعی و ثانوی دارد. برعکس در مسئولیت مدنی هدف اصلی جبران خسارت شخص زیان‌دیده می‌باشد، در واقع در دعوی کیفری پس از اثبات جرم این پرسش مطرح می‌شود که با مجرم چه باید کرد؟ در حالی که در مسئولیت مدنی بعد از اثبات مسئولیت وارد کننده زیان این پرسش مطرح می‌شود که برای

زیان‌دیده چه کار باید کرد^۱؟ گذشته از این تفاوت که ناظر به هدف ایجاد دو مسؤولیت می‌باشد در حوزه‌های گوناگون دیگری مانند: شرایط، منبع مسؤولیت قلمرو، آئین دادرسی، آثار و نتایج با همدیگر تفاوت دارند. ذکر وجوه اختلاف مانع از این مساله نیست که در موردی هر دو نوع مسؤولیت وجود داشته باشد مانند خیانت در امانت یا کلاهبرداری که هر دو نوع مسؤولیت را به همراه دارند، دیگر آنکه رها شدن از قید مسؤولیت جزائی در مواردی مانند قرار منع تعقیب نافی مسئولیت مدنی نمی‌باشد و مسؤولیت مدنی راه خود را می‌پیماید.^۲

۱. علی رضا یزدانیان، قلمرو مسؤولیت مدنی، انتشارات ادبستان، چ اول، سال ۱۳۷۹، ص ۲۶

۲. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به ناصر، کاتوزیان، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، صفحات ۱۶-۱۳ حسین نژاد، مسئولیت مدنی، صفحات ۱۵-۱۴. عبدالمجید، امیری قائم مقامی، حقوق تعهدات، صفحات ۱۳۵-۱۳۴

بند ۳: مقایسه مسؤولیت مدنی با مسؤولیت اداری

مسؤولیت اداری همانطور که پیشتر اشاره شد در مورد مستخدمین دولت اعمال می‌شود و طرف اصلی آن اداره متبوع مستخدم است. در مسؤولیت اداری همانند مسؤولیت کیفری اصل قانونی بدون جرم (تخلف) و مجازات بعنوان اصلی ترین رکن مسؤولیت وجود دارد در حالی که در مسؤولیت مدنی اصلی کلی وجود دارد که جبران هر نوع زیانی را در بر می‌گیرد.^۱ هر چند این دو نوع مسؤولیت در مواردی از جمله شرایط و هدف و شیوه دادرسی با همدیگر تفاوت دارند با این حال با وجود این اختلافات در مواردی بین مسؤولیت اداری و مسؤولیت مدنی بالاخص در مواردی که مسؤولیت مدنی کارکنان دولت و دولت مطرح می‌شود بین این دو ارتباط زیادی وجود دارد و

۱. رضا، موسی زاده، حقوق اداری، صفحه ۲۴۳-۲۴۰.

یک خطای اداری ممکن است علاوه بر مسؤولیت اداری مستخدم باعث ضرر و زیان به شخص خصوصی گردد و مسؤولیت مدنی مستخدم را نیز در پی داشته باشد. لذا اصطلاحات فنی که در مورد تخلفات اداری استعمال می شود کاربرد مهمی در مسؤولیت مدنی دولت و کارکنان آن ایفاء می کند.

مبحث سوم : دولت

چنانچه بخواهیم مسؤولیت مدنی دولت را تشریح کنیم نخست باید دولت را تعریف کنیم به عبارت دیگر باید مرز میان بنیادهای عمومی و دولتی را از یکسو و نهادها و مؤسسات خصوصی را از سوی دیگر مشخص کنیم برای تضمین حقوق مردم و جلوگیری از فرار نهادهای عمومی از مسؤولیت مدنی باید مصادیق این گونه مؤسسات و نهادها مشخص شود، لذا در این مبحث ما اولاً

مفهوم دولت و ثانیاً ضابطه تشخیص اشخاص حقوقی عمومی و مصادیق آن و سپس مفهوم دولت در قانون مسؤولیت مدنی را بررسی و مورد استفاده قرار می‌دهیم.

بند ۱: مفهوم دولت

اندیشیدن در خصوص مفهوم دولت به دلایلی چند واجد اهمیت است:

اول آن است که: صرف نظر از تعداد اندک تئوریهای که مدافع جامعه بی‌دولت هستند اعتقاد غالب این است که زندگی بدون دولت قابل تصور نیست. در عمل نیز دولت در تمام سطوح زندگی افراد از تولد تا مرگ رخنه نموده است.^۱ ثانیاً مفاهیمی مشابه و هم‌خانواده با دولت وجود دارد که گاهی با آن خلط می‌شوند واژه‌های مانند

۱. اندرو و نینت، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، چاپ

حکومت، حاکمیت، کشور و جامعه که به جهت عدم توجه به معنای دقیق و کاربردی آنان گاهی مواقع به جای یکدیگر به کار برده می‌شوند.^۱ حتی در قانون اساسی نیز واژه دولت به معنای مختلف به کار رفته است گاهی به معنای قوه مجریه که جزئی از پیکره دولت است و گاهی به مفهوم کشور در رویه قضایی هم تفاسیر مختلفی از معنای دولت شده است چنانکه برخی قضات در تفسیر ماده ۶۹۰ ق آد م که دولت را از پرداخت هزینه‌های دادرسی معاف نموده حکم این ماده را ناظر به وزارتخانه‌ها دانسته و شرکتهای دولتی و مؤسسات مستقل دولتی را از مصادیق دولت به شمار نیاورده‌اند. سومین دلیل لزوم بررسی مفهوم دولت، بحث کنترل دولت است اقتدار دولت لازمه اجرای وظایف و خدماتی است که عهده‌دار آن می‌باشد تا در جهت اهداف اساسی خود یعنی

۱. همان منبع، صفحه ۱۸.

ایجاد امنیت، نظم و عدالت از آن بهره جوید از این رو برای کنترل موثر بر دولت لازم است که مصادیق و حدود آن شناخته شود و به عنوان یک پیکره واحد که شامل کلیه نهادهای اعمال کننده قدرت عمومی است مورد شناسایی قرار گیرد. از لحاظ لغوی در زبان فارسی دولت به معنای مال، ثروت، بخت و اقبال، حکومت، قدرت، فرمانروایی به کار رفته است.^۱ در زبان انگلیسی واژه *state* از ریشه لاتینی *statre* به معنی ایستادن و به صورت دقیق تر از واژه *status* به معنی وضع مستقر و پا بر جا به کار گرفته شده است.^۲ از لحاظ کاربردی در سه مفهوم استفاده شده است. دولت به عنوان یک شخصیت حقوقی بصورت جامعه متشکل و متمرکز سیاسی که در قلمرو معینی مستقر بوده و از قدرت عالی و حیثیت بین المللی برخوردار

۱. دهخدا، لغت نامه، جلد ۲۵.

۲. اندرو و نینت، پیشین، صفحه ۴۰-۳۶